



مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

اقتصاد به زبان ساده

(شماره ۲۶)

تورم

تهیه شده در:

معاونت اقتصادی

مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۶



پیشگفتار

به منظور آشنایی هرچه بیشتر علاقمندان با مفاهیم اقتصادی و به کارگیری صحیح این موارد در تحلیل‌های اقتصادی، ایده تهیه و ارائه بروشورهایی با عنوان "اقتصاد به زبان ساده" در معاونت اقتصادی اتاق ایران طرح گردید و توسط مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی به اجرا درآمد. نسخه پیش‌رو، بیست و ششمین خروجی این ایده می‌باشد. به منظور بهبود نسخه‌های بعدی، در انتها یک فرم ارزیابی تهیه و تنظیم گردیده است که خواهشمندیم فرم مذکور را تکمیل و از طریق دبیر کمیسیون خود یا آدرس ایمیل research-center@iccim.ir، مرکز تحقیقات را از نظرات ارزشمند خود آگاه سازید.

تعریف تورم

تورم به وضعیتی اطلاق می‌شود که سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات در یک اقتصاد طی یک دوره زمانی مشخص (عموماً یک ساله) به طور مداوم و مستمر افزایش یابد. نکته حائز اهمیت آن است که هر نوع افزایش قیمتی را نمی‌توان تورم در نظر گرفت؛ چراکه عنصر زمان و استمرار افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در تعریف تورم از اهمیت زیادی برخوردار است. از همین رو اگر سطح عمومی قیمت‌ها تنها در یک دوره خاص و برای یک بار افزایش یابد و سپس این روند صعودی قطع شود، به این فرآیند تورم گفته نمی‌شود. لذا سطح عمومی قیمت‌ها باید به صورت مداوم در طول زمان افزایش یابد تا بتوان آن را تورم تلقی نمود.

انواع تورم

به طور کلی تورم را به لحاظ شدت افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌توان به سه نوع تقسیم‌بندی نمود:



۱. **تورم خفیف و خزنده:** افزایش کند و ملایم قیمت‌ها در طول زمان را تورم خفیف یا خزنده می‌گویند. از ویژگی‌های بارز این نوع تورم آن است که معمولاً رشد یک رقمی سطح عمومی قیمت‌ها را در سال به دنبال دارد.

۲. **تورم شدید یا تازنده:** هنگامی که آهنگ سرعت رشد قیمت‌ها شدید باشد، آن را تورم شدید یا تازنده تلقی می‌نمایند. نرخ‌های تورم بالاتر از ۱۰ درصد را اغلب تورم شدید در نظر می‌گیرند.

۳. **تورم بسیار شدید یا ابرتورم:** در شرایطی که رشد قیمت‌ها بسیار سریع و لجام‌گسیخته باشد و به نوعی بالاتر از ۵۰ درصد در ماه باشد، آن را تورم بسیار شدید یا ابرتورم می‌نامند.

تعریف نقدینگی و اجزای آن

نقش نقدینگی در ایجاد و استمرار تورم برجسته و غیرقابل انکار است و این مولفه به عنوان یکی از مهمترین دلایل بروز تورم در کشورها مطرح می‌باشد. نقدینگی طبق تعریف، جمع پول و شبه^۱ پول است.

افزایش نقدینگی از طریق دو محور اصلی رشد پایه پولی و ضریب فزاینده نقدینگی رخ می‌دهد. منظور از پایه پولی، وجوهی است که از طرف بانک مرکزی به اقتصاد وارد می‌شود و از قدرت خلق اعتبار و تکثیر برخوردار می‌باشد. پایه پولی را همچنین می‌توان براساس «منابع» یا «مصارف» بانک مرکزی نیز تعریف نمود که منظور از منابع، دارایی‌های بانک مرکزی و مصارف نیز به معنای تعهدات این بانک می‌باشد.

ضریب فزاینده نقدینگی یکی از مولفه‌های موثر در تغییر نقدینگی است و به عنوان حلقه واسط میان پایه پولی و نقدینگی، دارای نقش مهمی در روند رشد نقدینگی است. این ضریب مقدار

^۱ پول شامل اسکناس و مسکوک در دست اشخاص به اضافه سپرده‌های دیداری نزد بانک‌ها می‌باشد و شبه پول نیز دربرگیرنده سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار بلندمدت و کوتاه‌مدت و سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه است.



تغییر در حجم نقدینگی را به ازای یک واحد تغییر در پایه پولی نشان می‌دهد. به عنوان مثال با افزایش پایه پولی (مثلا با انتشار اسکناس) توسط بانک مرکزی به میزان ۱۰۰ ریال، حجم پول بیش از ۱۰۰ ریال افزایش خواهد یافت که نسبت حجم پول منتشر شده به مقدار تغییر در پایه پولی، ضریب فزاینده نقدینگی نامیده می‌شود. به بیان دیگر در صورتی که ضریب فزاینده نقدینگی معادل ۵ باشد و پایه پولی هم به میزان ۱۰۰۰ ریال افزایش یابد، در این صورت حجم نقدینگی بیش از ۱۰۰۰ ریال و معادل ۵۰۰۰ ریال افزایش می‌یابد.

نظریه‌های اقتصادی در خصوص بروز تورم

بررسی ماهیت و علل تورم، به دلیل آثار نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که این پدیده بر جامعه تحمیل می‌کند، همواره مورد توجه بوده است. تاکنون نظریات متعددی در خصوص تبیین علل بروز تورم در جوامع مطرح شده است که به طور کلی این نظریه‌ها را می‌توان در سه گروه اصلی طبقه‌بندی نمود:

۱. نظریه تورم فشار تقاضا: هنگامی که تقاضا برای کالاها و خدمات افزایش یابد و افزایش تقاضای کل نسبت به عرضه کل فزونی داشته باشد، در این صورت سطح عمومی قیمت‌ها افزایش یافته و تورم رخ می‌دهد. براساس این نظریه، افزایش تقاضا توسط مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران صورت می‌گیرد که موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود.

علت افزایش تقاضا را می‌توان در دو بخش واقعی (بازار کالا) و پول اقتصاد جست‌وجو نمود. در بخش واقعی عواملی نظیر افزایش مخارج مصرفی، افزایش مخارج سرمایه‌گذاری، افزایش صادرات و کاهش واردات، منجر به بالا رفتن تقاضای کل می‌شود. این در حالیست که در بخش پول اقتصاد، افزایش نقدینگی یا حجم پول منتج به افزایش تقاضا می‌شود. بدین نحو که برخی از سیاست‌های اتخاذ شده در کشورها، منجر به تزریق پول در اقتصاد و افزایش حجم پول در

گردش می‌شود و در چنین شرایطی مردم به واسطه در دسترس داشتن پول بیشتر، تقاضایشان برای کالاها و خدمات افزایش می‌یابد که نتیجه این امر بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها و بروز تورم خواهد بود.

۲. نظریه تورم فشار هزینه: این نظریه بدین معنا است که افزایش هزینه‌های تولید موجب افزایش قیمت محصولات شده و تداوم آن به بروز تورم منجر می‌شود. افزایش هزینه‌های تولید عمدتاً به دلیل افزایش قیمت نهاده‌ها به خصوص نیروی کار و انرژی و یا کاهش عرضه مواد اولیه صورت می‌گیرد.

۳. نظریه تورم ساختاری: این نظریه بر این مسئله متمرکز می‌باشد که به دلیل وضعیت مربوط به ساختار اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی و مواردی از این قبیل، تورم در جامعه بروز کرده و تداوم می‌یابد. تورم ساختاری عمدتاً خاص کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه می‌باشد. در کشورهای مذکور وجود عواملی نظیر کمبود زیربناها و زیرساخت‌های اقتصادی، ضعف نظام توزیع، گسترده بودن بخش دولتی، تضعیف بخش خصوصی یا وجود قوانین و مقررات بازدارنده فعالیت‌های تولیدی بخش خصوصی، تک محصولی بودن اقتصاد، کسری بودجه مداوم و در حال گسترش دولت و غیره، سازوکار اقتصاد را مختل می‌کند و با تاثیرگذاری بر تولید و قیمت کالاها منجر به بروز تورم می‌شود.

شایان ذکر است که علاوه بر سه نظریه مذکور، علل دیگری هم در افزایش نرخ‌های تورم اثرگذار هستند و آن وجود انتظارات تورمی در جامعه است. براساس این دیدگاه، وقتی صاحبان درآمد، فعالان کسب‌وکار و بنگاه‌ها منتظر باشند که در آینده قیمت برخی از کالاها و خدمات افزایش یابد، این انتظار هم اکنون اثر خود را ایجاد خواهد کرد. به بیان ساده هنگامی که انتظار افزایش قیمت‌ها در آینده وجود داشته باشد، صاحبان درآمد (دارندگان درآمدهای متغیر) که هر یک به نوعی ارائه دهنده کالا یا خدماتی هستند، بلافاصله کالاها و خدمات خود را (حتی بدون افزایش

قیمت تمام شده آن) با قیمت بالاتری عرضه می‌کنند و به تورم دامن می‌زنند. از طرف دیگر تولیدکنندگان و فروشندگان نیز به امید افزایش قیمت در آینده و کسب سود بیشتر، بر ذخیره انبار خود می‌افزایند و عرضه کالاها و خدمات خود را به آینده موکول می‌کنند که این مسئله از طریق کاهش عرضه، منجر به افزایش تورم می‌گردد. بنابراین شکل‌گیری انتظارات تورمی نیز زمینه‌های بروز تورم را فراهم می‌سازد.

شاخص‌های اندازه‌گیری تورم

تورم نشان دهنده رشد شاخص قیمت‌ها^۱ می‌باشد و براساس تغییر شاخص‌های قیمت طی یک دوره زمانی معین محاسبه می‌گردد. به طور کلی چهار نوع شاخص قیمت رایج وجود دارد که برای اندازه‌گیری تورم به کار می‌رود.

۱. شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی^۲: این شاخص قیمت سبد معینی از کالاها و خدمات که توسط مصرف‌کنندگان خریداری می‌شود را اندازه‌گیری می‌کند. از آنجایی که برای محاسبه این شاخص، از قیمت‌های خرده‌فروشی پرداخت شده توسط مصرف‌کنندگان استفاده می‌شود، بنابراین شاخص مذکور انعکاس دهنده وضعیت هزینه‌های زندگی و تغییرات آن است. از تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده در یک بازه زمانی مشخص، برای محاسبه تورم مصرف‌کننده استفاده می‌گردد.

۲. شاخص بهای تولیدکننده^۳: یکی دیگر از شاخص‌های قیمت، شاخص بهای تولیدکننده است که به جای اندازه‌گیری وضعیت قیمت‌های پرداخت شده توسط مصرف‌کنندگان، وضعیت

^۱ شاخص قیمت بیانگر میانگین وزنی نسبت قیمت سبد معینی از کالاها و خدمات در سال مورد نظر به قیمت همان کالاها و خدمات در سال پایه می‌باشد.

^۲ Consumer Price Index (CPI)

^۳ Producer Price Index (PPI)



و تغییر قیمت‌هایی که در مراحل مختلف فرآیند تولید توسط تولیدکنندگان وضع می‌شود را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص علاوه بر کالاها و خدمات نهایی، کالاهای نیم ساخته و مواد خام را هم شامل می‌شود و ابزار خوبی برای بررسی تغییرات هزینه در صنایع و بخش‌های مختلف محسوب می‌شود. از تغییرات شاخص بهای تولید کننده در یک بازه زمانی مشخص، برای محاسبه تورم تولید کننده استفاده می‌گردد.

لازم به ذکر است که در ادبیات اقتصادی از این شاخص به عنوان یک شاخص پیش‌نگر یاد می‌شود؛ بدین معنی که با بررسی این شاخص می‌توان از سطح تغییر قیمت‌ها در بازار کالا و خدمات مصرفی یا تورم کسب اطلاع کرد. به عبارت دیگر، هر افزایش یا کاهش قیمت در شاخص قیمت تولیدکننده با یک وقفه زمانی در شاخص بهای مصرف کننده نیز مشاهده می‌شود.

۳. شاخص قیمت عمده‌فروشی^۱: این شاخص معیار سنجش تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها در بخش عمده‌فروشی است و تغییرات قیمت کالاها و خدمات در سطح تولیدکنندگان و فروشندگان عمده (دست اول) را اندازه‌گیری می‌کند. به بیان دیگر این شاخص نشان دهنده تغییرات قیمت پرداختی برای کالاها در مراحل مختلف توزیع تا مرحله خرده‌فروشی است و شامل قیمت مواد خام برای مصارف نهایی و واسطه‌ای، قیمت کالاهای ناتمام یا واسطه‌ای و قیمت کالاهای تمام شده، می‌باشد.

۴. شاخص قیمت کالاهای وارداتی^۲: روند تغییرات قیمت محصولات عرضه شده به داخل کشور طی یک دوره زمانی مشخص با استفاده از شاخص قیمت کالاهای وارداتی نشان داده می‌شود. در واقع عدد این شاخص بیانگر میانگین تغییرات قیمت کالاهای مختلف سبد معینی از واردات براساس سال پایه می‌باشد و تغییرات آن تحت تاثیر متغیرهای نرخ ارز، تورم جهانی و

¹ Wholesale Price Index

² Import Price Index

سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها قرار دارد. با توجه به اینکه قیمت کالاهای وارداتی یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر میزان مبادلات خارجی کشورها است، لذا تغییرات آن از اهمیت بالایی برخوردار است.

پیامدهای پدیده تورم

افزایش نرخ تورم در جامعه پیامدهای نامطلوبی را به دنبال دارد و عوارض و تبعات آن، تعدادی زیادی از متغیرهای اقتصاد کلان نظیر تولید، سرمایه‌گذاری، توزیع درآمد، بودجه دولت، بهره‌وری و رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اهم آثار نامطلوب این پدیده به شرح ذیل است:

۱. بروز نااطمینانی در جامعه و کاهش رشد اقتصادی

ایجاد نااطمینانی در جامعه و افزایش ریسک فعالیت‌های اقتصادی به ویژه در بخش‌های تولیدی، یکی از مهمترین آثار مخرب تورم است که به واسطه تاثیرگذاری بر تصمیمات عاملین اقتصادی، منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود. در هنگام بروز تورم، عموم جامعه به دلیل اجتناب از نگرانی‌های حاصل از کاهش ارزش پول ملی، سرمایه‌های خود را صرف خرید کالاهای بادوام مانند زمین، طلا، ارز، مسکن و غیره می‌نمایند که این امر باعث کاهش سطح پس‌اندازهای ملی و در نتیجه منجر به کاهش سطح عمومی سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد می‌شود. تورم با از بین بردن انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، موجب فرار سرمایه‌ها از بخش‌های تولیدی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی و غیرمولد خواهد شد که نتیجه این امر کاهش رشد اقتصادی و اشتغال خواهد بود.

همچنین در زمان بروز تورم این امکان وجود دارد که تولیدکنندگان به مسائلی از قبیل پیشرفت فنی و ارتقاء سطح استانداردهای کیفی توجهی نکنند و حتی به دلیل بالا بودن هزینه‌های تولید، از نهاده‌های با سطح کیفیت پایین‌تر استفاده نموده و تولیدات نامرغوبی را ارائه نمایند. لذا این مسئله از یک طرف منجر به بی‌اعتمادی مردم به تولیدکنندگان

داخلی می‌شود و از طرف دیگر فرهنگ اعتماد به خارجی‌ان و ترجیح کالاهای خارجی به داخلی را پدید می‌آورد.

۲. توزیع نابرابر درآمد و کاهش رفاه اجتماعی

توزیع عادلانه درآمد در کشورها یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی محسوب می‌شود و شناسایی عوامل موثر بر توزیع مناسب درآمد بسیار حائز اهمیت است. تورم یکی از مهم‌ترین عواملی است که توزیع درآمد در جامعه را به شدت نابرابر می‌کند. هنگامی که سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد، به طور کلی انتظار می‌رود که قدرت خرید عموم جامعه کاهش یابد، این درحالیست که با لحاظ دارایی‌های متنوع و راه‌های مختلف کسب درآمد، شاهد آن هستیم که اثر تورم بر خانوارهای دهک بالا و پایین درآمدی متفاوت خواهد بود. بدین نحو که بالا رفتن تورم، از یک سوی افزایش قدرت خرید صاحبان دارایی‌ها (ثروتمندان) و از سوی دیگر کاهش قدرت خرید صاحبان مشاغل با درآمدهای ثابت و پس‌اندازکنندگان را به همراه دارد. بنابراین افزایش نرخ تورم در جامعه، اختلاف درآمد بین ثروتمندان و فقرا را افزایش داده و منجر به افزایش شکاف طبقاتی و کاهش رفاه اجتماعی می‌شود.

۳. کاهش صادرات و عدم تعادل تراز پرداخت‌ها

افزایش هزینه‌های تولید و بروز تورم در جامعه منجر به افزایش قیمت کالاهای صادراتی در مقابل شرکای تجاری می‌شود. از همین‌رو فروش کالاهای صادراتی در بازارهای بین‌المللی با مشکل روبرو شده و با توجه به اینکه ترازپرداخت‌ها معادل تفاوت صادرات و واردات می‌باشد، لذا با کاهش حجم فروش ناشی از صادرات، تراز پرداخت‌ها دچار عدم تعادل می‌شود. به عبارت دیگر، نرخ تورم به دنبال اثرگذاری بر نرخ ارز منجر به تغییر در وضعیت ترازپرداخت‌ها می‌شود.

۴. ایجاد کسری بودجه دولت

با توجه به اینکه دولت خریدار حجم عظیمی از کالاها و خدمات است، لذا افزایش سطح عمومی قیمت‌ها سبب می‌شود که دولت هزینه‌های بیشتری برای مخارج مصرفی و

سرمایه‌گذاری خود بپردازد. در واقع هنگام بروز تورم، هزینه‌های دولت به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد و شکاف ایجاد شده میان درآمدها و مخارج دولت، منتج به بروز کسری بودجه دولت می‌شود. لازم به ذکر است که تورم، زمینه‌های فساد در قلمرو دخل و خرج عمومی را هم افزایش می‌دهد.

۵. تخصیص نامناسب منابع و گسترش فعالیت‌های نامولد

در هنگام بروز تورم، عموم جامعه برای جلوگیری از کاهش ارزش پول خود، بجای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد، سرمایه‌های خود را به سمت خرید دارایی‌های بادوام و یا هر نوع فعالیت محافظ ارزش پولشان - که عموماً فعالیت‌های غیرمولد هستند - سوق می‌دهند. از همین‌رو افزایش تورم منجر به انتقال منابع از فعالیت‌های مولد به سمت فعالیت‌های غیرمولد و در نتیجه گسترش سهم این نوع از فعالیت‌ها در اقتصاد می‌شود.

۶. کاهش سطح اعتماد عمومی مردم

اعتماد عمومی مردم به دولت، به عنوان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. بالا رفتن نرخ تورم و بروز آثار نامطلوب آن در جامعه، کاهش اعتماد عمومی مردم نسبت به ثبات ارزش پول را به دنبال داشته و همچنین منجر به عدم اعتماد مردم به دولت به عنوان یک دولت کارآمد و مقتدر می‌شود.

۷. پیامدهای نامطلوب اجتماعی

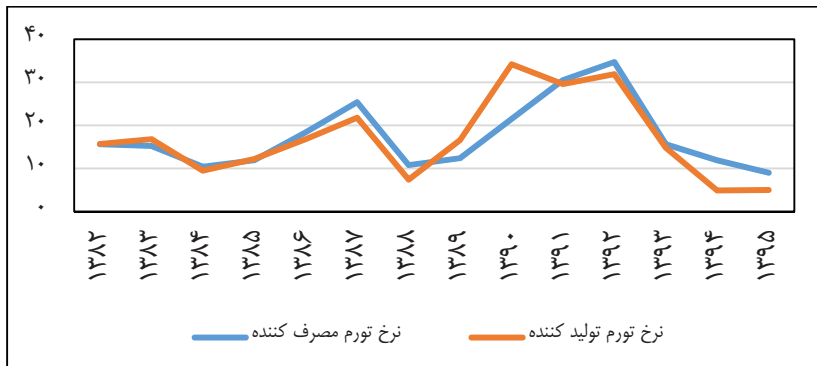
نوسانات زیاد نرخ تورم در جامعه، علاوه بر توزیع نامناسب درآمدها و نامساعد کردن وضعیت اشتغال، منجر به افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی نیز می‌شود. از مهمترین پیامدهای نامطلوب اجتماعی تورم می‌توان به مواردی از قبیل رواج رشوه، اختلاس، افزایش جرم و جنایت، هنجارگریزی، بزهکاری، بی‌توجهی به منافع ملی و حقوق دیگران، عدم اعتماد و اطمینان، قانون‌گریزی و تضعیف سرمایه‌های اجتماعی اشاره نمود.

بررسی روند تورم در اقتصاد ایران

دستیابی به نرخ تورم پایین و باثبات شرط لازم برای برقراری ثبات اقتصاد کلان، تجربه رشد اقتصادی و افزایش رفاه جامعه است. با وجود اینکه کشورهای توسعه یافته با اجرای سیاست‌های پولی و مالی مناسب و بهبود ساختارهای اقتصادی خود، اغلب در کنترل تورم موفق بوده‌اند، اما کشورمان هنوز با دغدغه تورم دست به گریبان است.

بررسی وضعیت نرخ تورم مصرف کننده و نرخ تورم تولید کننده در کشور براساس نمودار (۱) حاکی از آن است که پدیده تورم طی سال‌های اخیر همواره یکی از معضلات و چالش‌های اصلی اقتصاد کشور بوده است. در واقع وضعیت این متغیر در کشور باثبات نبوده و اقتصاد ایران از این منظر در برخی سال‌ها کاهش نسبی و در سال‌های متعددی نیز جهش‌های تورمی را تجربه کرده است. اگرچه در سال‌های اخیر شاهد کاهش نرخ تورم در کشور بوده‌ایم، اما مسئله اساسی آن است که همچنان تورم در کشور ریشه‌کن نشده است و بخشی از کنترل تورم نیز به رکود حاکم بر کشور باز می‌گردد.

نمودار (۱): روند نرخ تورم مصرف کننده و تورم تولید کننده در کشور طی سال‌های (۱۳۸۲-۱۳۹۵) (درصد)



بررسی وضعیت متغیر تورم در گزارش‌های بین‌المللی نیز حاکی از آن است که در اقتصاد ایران معضل تورم هنوز حل نشده است. براساس گزارش رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۸-۲۰۱۷، متغیر تورم در میان ۱۳۷ کشور مورد بررسی جایگاه ۱۲۱ را به خود اختصاص داده است. نگاهی به مولفه تورم در ایران در قیاس با دیگر کشورهای جهان براساس جدول (۱) نشان می‌دهد که کشورمان طی سال‌های اخیر همواره جزء کشورهای دارای بالاترین نرخ تورم در جهان بوده است و این پدیده تبدیل به مشکلی پایدار در اقتصاد ایران شده است. شایان ذکر است که براساس گزارش مذکور، مولفه تورم به عنوان پنجمین مشکل اصلی محیط کسب‌وکار از نظر فعالان اقتصادی ارزیابی شده است که این مسئله نیز تأکیدی بر ماندگاری تورم در کشور می‌باشد.

جدول (۱): وضعیت مولفه تورم در رکن محیط اقتصاد کلان شاخص رقابت‌پذیری جهان در سال ۲۰۱۸-۲۰۱۷ در کشورهای منتخب

رتبه در بین ۱۳۷ کشور	تورم (براساس درصد تغییر سالانه)	کشور
۱	۱	کره
۱	۱,۸	امارات
۱	۲,۷	قطر
۹۷	۵	یمن
۶۲	۳,۵	عربستان
۱۱۶	۷,۸	ترکیه
۱۲۱	۸,۹	ایران

Source: The Global Competitiveness Report 2017-2018

آمارهای داخلی و بین‌المللی فوق‌الذکر تأکیدی بر این مسئله هستند که تورم همچنان در کشور به عنوان یک مشکل اصلی مطرح می‌باشد و پیامدهای نامطلوب این پدیده در کشور قابل مشاهده است. به عنوان مثال در نتیجه افزایش نرخ تورم در کشور، توزیع درآمدها نابرابر شده و این پدیده افزایش شکاف طبقاتی و بدتر شدن وضعیت فقرا را به دنبال داشته است. بررسی وضعیت ضریب جینی که معیاری برای سنجش نابرابری درآمد است، تأکیدی بر این ادعا است. این شاخص عددی بین صفر و یک است که عدد صفر به معنای توزیع کاملاً برابر درآمد یا ثروت و عدد یک به معنای نابرابری مطلق در توزیع درآمد است. مطابق جدول (۳) ضریب جینی در کشور طی بازه زمانی (۱۳۹۴-۱۳۸۹) نه تنها بهبود نیافته بلکه روند آن اغلب ثابت و در برخی سال‌ها هم به صورت فزاینده بوده است.

جدول (۲): وضعیت ضریب جینی طی سال‌های (۱۳۹۴-۱۳۸۹)

سال	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
ضریب جینی	۰,۴۱	۰,۳۷	۰,۳۷	۰,۳۷	۰,۳۸	۰,۳۹

منبع: مرکز آمار ایران

علاوه بر ضریب جینی اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران، سازمان ملل متحد نیز در گزارش توسعه انسانی، ضریب جینی را برای کشورهای جهان ارائه می‌نماید. براساس آخرین گزارش سرمایه انسانی (۲۰۱۶)، ضریب جینی کشور طی بازه زمانی ۲۰۱۵-۲۰۱۰ معادل ۰,۳۷ از یک محاسبه شده و ایران با ۴۶,۶ درصد نابرابری درآمد جایگاه ۱۴۵ را در میان ۱۵۴ کشور به خود اختصاص داده است.

تورم‌های بالا در اقتصاد ایران، با ایجاد نااطمینانی در کشور، به زیان بخش‌های مولد و به نفع بخش غیرمولد عمل نموده و از طریق تخصیص غیربهبینه منابع منجر به افزایش سهم فعالیت‌های غیرمولد در اقتصاد شده است. نگاهی به پیامدهای سیاست‌های تورم‌زا در دولت‌های

نهم و دهم، حاکی از رواج بی‌سابقه فعالیت‌های سوداگری و دلالی در بازارهای طلا، ارز، مسکن و ساختمان است؛ بطوریکه در این دوره بخش عظیمی از منابع به سمت این فعالیت‌ها سوق یافت.

آسیب‌شناسی تورم در ایران

با توجه به آثار تورم بر کاهش رفاه خانوارها و اثرگذاری آن بر تولید و سرمایه‌گذاری، شناسایی عوامل موثر بر آن به منظور تنظیم برنامه‌های مهار تورم و دستیابی به ثبات قیمت‌ها ضروری است.

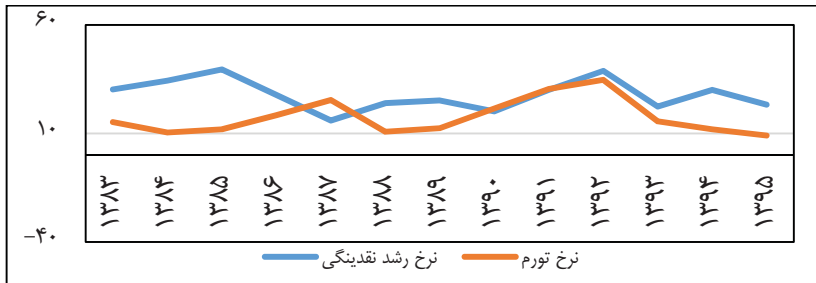
تک محصولی بودن اقتصاد کشور و وابستگی شدید آن به درآمدهای ارزی حاصل از نفت و گاز یکی از مهم‌ترین عوامل ساختاری بروز تورم در اقتصاد ایران محسوب می‌شود؛ چراکه رونق و افول درآمدهای نفتی به واسطه اثرگذاری بر حجم نقدینگی در جامعه، به طور قابل توجهی سطح عمومی قیمت‌ها را در کشور تحت تاثیر قرار می‌دهد. وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی موجب شده است که در هنگام افزایش قیمت نفت و درآمدهای نفتی، بارها در معرض بیماری هلندی^۱ قرار بگیریم، بدین نحو که عدم مدیریت صحیح این نوع از درآمدها و تزریق بی‌برنامه آنها به اقتصاد کشور، موجب تقویت و رشد بخش غیرقابل مبادله اقتصاد (نظیر مسکن) و تضعیف بخش قابل مبادله اقتصاد (بخش تولید) گردیده است.

اقتصاد ایران در اوایل دهه ۱۳۵۰ و در سال‌های میانی دهه ۱۳۸۰ (۱۳۹۰-۱۳۸۴) به دنبال افزایش قیمت نفت، درآمدهای نفتی قابل توجهی را بدست آورد. از همین‌رو انتظار می‌رفت که

^۱ هنگامی که با افزایش درآمدهای ارزی حاصل از منابع طبیعی مانند نفت، زمینه برای تضعیف بخش تولید فراهم شود و این بخش دچار رکود شود، بیماری هلندی اتفاق می‌افتد. علی‌رغم اینکه بیماری هلندی یکی از ویژگی‌های مهم اقتصادهای نفتی است، اما کشورهایی نظیر نروژ، درخصوص درآمدهای نفتی به صورت کارآمد عمل نمودند و به واسطه عدم تزریق این منابع در بودجه‌های سالیانه، مانع از گسترش بخش غیرقابل مبادله اقتصاد و در نتیجه پیدایش بیماری هلندی شدند.

نرخ رشد اقتصادی کشور جهش چشمگیر داشته باشد و عملکرد اقتصاد به طور مطلوب افزایش یابد، اما درحقیقت این شرایط برای اقتصاد ایران محقق نگردید؛ چرا که به دنبال افزایش قابل توجه درآمدهای نفتی در دوره‌های مذکور، دولت‌ها به صورت صحیح این درآمدها را مدیریت نکردند و با اتخاذ سیاست‌های نادرست، به جای سوق دادن این منابع به سمت بخش‌های تولیدی، اقدام به تزریق نقدینگی در اقتصاد نمودند. از همین‌رو افزایش حجم نقدینگی در جامعه منجر به افزایش تقاضا از سوی مردم گردید و با توجه به اینکه بخش تولید کشور در کوتاه‌مدت قادر به پاسخگویی به افزایش تقاضای ایجاد شده نبود، لذا افزایش نقدینگی و افزایش تقاضا، منجر به بروز تورم ناشی از فشار تقاضا گردید. در نمودار (۲) روند نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی طی سال‌های اخیر قابل مشاهده است و براساس این نمودار نرخ تورم در سال ۱۳۹۲ به بالاترین میزان معادل ۳۴٫۲ درصد افزایش یافته است.

نمودار (۲): روند نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی طی سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۹۵)
(درصد)

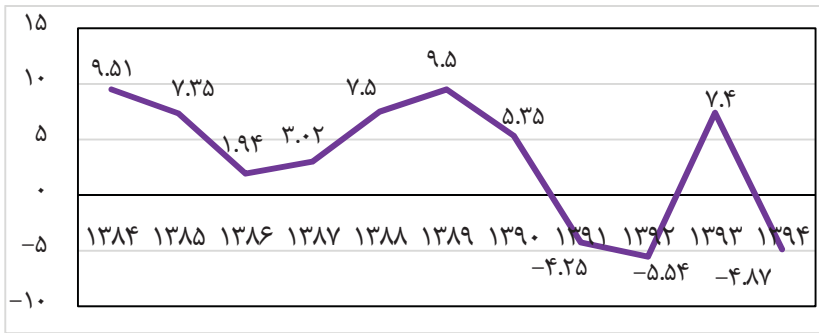


منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در چنین شرایطی دولت برای مهار آثار تورم در اقتصاد، اقدام به واردات بی‌رویه نمود که نتیجه این امر تضعیف بخش صنعت و کاهش رشد اقتصادی گردید و بدین ترتیب اقتصاد کشور با

بیماری هلندی مواجه شد. در نمودار (۳) وضعیت رشد ارزش افزوده بخش صنعت طی سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۹۵) قابل مشاهده می‌باشد.

نمودار (۳) رشد ارزش افزوده بخش صنعت به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ طی بازه زمانی (۱۳۸۴-۱۳۹۴) (درصد)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

وقوع بیماری هلندی و تضعیف بخش صنعت در کشور پیامدهای دیگری از قبیل کاهش رشد اقتصادی و نامناسب شدن وضعیت اشتغال در کشور مشاهده شود. به عنوان مثال علی‌رغم اینکه طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲ (زمان دولت نهم و دهم) بالغ بر ۶۳۴ میلیارد دلار تنها از محل درآمدهای نفتی به اقتصاد ایران وارد شد، اما نه تنها وضعیت اشتغال و رشد اقتصادی در کشور بهبود نیافت بلکه حتی طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۰ حدود ۴۱۵ هزار شغل در بخش صنعت، ۱۵۰ هزار شغل در بخش مسکن و ۴۹۵ هزار شغل در بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی از بین رفت.^۱ آمار مذکور تاکیدی بر تاثیر منفی وابستگی اقتصاد ایران به نفت در بی‌انضباطی پولی دولت و در نتیجه بروز و تداوم تورم در کشور می‌باشد.

^۱ (مومنی، ۱۳۹۴)



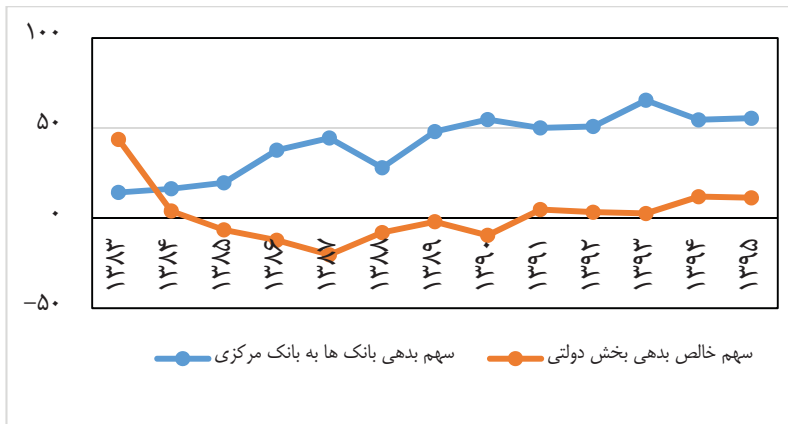
لازم به ذکر است که عدم توازن ساختاری در بودجه دولت و وابستگی آن به درآمدهای نفتی نیز یکی دیگر از عوامل ساختاری است که سبب افزایش تورم در کشور می‌شود. با توجه به اینکه بخش عمده منبع درآمدی دولت در ایران از طریق درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز تامین می‌گردد، لذا کاهش این درآمدها منجر به کسری بودجه دولت می‌شود. از همین‌رو در چنین شرایطی دولت‌ها برای رهایی از وضع موجود و جبران کسری بودجه خود، اقدام به استقراض از بانک مرکزی نموده‌اند که نتیجه این امر، افزایش حجم نقدینگی در کشور و پیدایش تورم بوده است.

نگاهی به لایحه بودجه ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که مواردی از قبیل افزایش بدهی‌های دولت، افزایش وابستگی بودجه به منابع حاصل از نفت و تعداد زیاد طرح‌های عمرانی نیمه تمام، همانند سال‌های گذشته در این لایحه بودجه نیز تداوم یافته‌اند. در واقع عوامل مذکور مهمترین ویژگی‌های نامطلوب لایحه بودجه محسوب می‌شوند که وجود این عوامل سبب می‌شود دولت از انضباط مالی برخوردار نباشد و همانند دوره‌های قبل، کسری‌های بودجه بالا را تجربه نماید. بی‌انضباطی‌های مالی دولت سبب حرکت به سمت سیاست‌های تورم‌زا می‌شود.

افزایش نقدینگی در اثر افزایش پایه پولی، یکی دیگر از عوامل عمده بروز تورم در ایران از ناحیه فشار تقاضا محسوب می‌شود. با وجود اینکه از سال‌های برنامه سوم توسعه به بعد، استقراض از بانک مرکزی ممنوع شده است، اما دولت‌ها به وسیله لوایح و طرح‌های تحمیلی متعدد، تامین مالی خود را از طریق بانک‌ها انجام داده و بانک‌ها نیز این منابع را از بانک مرکزی گرفته‌اند. به عبارت دیگر، دولت به طور غیرمستقیم از منابع بانک مرکزی استفاده نموده و با افزایش سهم بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، زمینه‌های افزایش پایه پولی و در نتیجه بالا رفتن حجم نقدینگی و بروز تورم در کشور را فراهم نموده است. در نمودار (۴) تغییرات سهم بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و سهم خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی (به عنوان دو جزء پایه پولی) طی سال‌های اخیر نشان داده شده است. براساس این

است، بلکه از طریق فشار به شبکه بانکی و افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز نقش قابل توجهی در رشد پایه پولی و افزایش تورم داشته است.

نمودار (۴): تغییرات سهم بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و سهم خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی (دو جزء پایه پولی) طی سال‌های اخیر (درصد)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

از دیگر کانون‌های تورم‌زا در کشور، وابستگی قابل توجه ساختار تولید ایران به واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای است که از ناحیه فشار هزینه‌ها منجر به افزایش تورم در کشور می‌شود. در واقع وجود این نوع وابستگی سبب شده که به دلیل اتخاذ سیاست‌های نامناسب ارزی، نوسانات نرخ ارز و جهش‌های آن طی سال‌های اخیر، وضعیت تولید در کشور نابسامان شود و افزایش قیمت نهاده‌ها، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه وارداتی منجر به افزایش هزینه‌های تولید و بروز تورم در کشور گردد.



علاوه بر بی‌انضباطی‌های پولی و مالی دولت‌ها که با افزایش حجم نقدینگی منجر به بروز تورم در اقتصاد ایران می‌شوند، انتظارات تورمی نیز یکی دیگر از دلایل وجود تورم در کشور به شمار می‌آید. دولت‌ها در اقتصاد ایران همواره با اتخاذ سیاست‌های تورم‌زا از قبیل اعمال شوک به قیمت‌های کلیدی، زمینه‌های ایجاد انتظارات تورمی در جامعه و در نتیجه افزایش نرخ تورم را فراهم نموده‌اند. به عنوان مثال براساس تبصره (۱۸) لایحه بودجه ۱۳۹۷، به دولت اجازه داده شده است که به منظور اشتغال‌زایی، نسبت به افزایش قیمت حامل‌های انرژی اقدام نماید. نکته حائز اهمیت آن است که به کارگیری این سیاست در صورت فراهم نبودن زیرساخت‌ها و بستری‌های نهادی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی، نه تنها منجر به افزایش اشتغال و کاهش بیکاری در کشور نمی‌شود، بلکه با توجه به تاثیر قابل توجه قیمت حامل‌های انرژی (به خصوص بنزین) بر زندگی مردم (مهم‌تر از همه اقشار ضعیف جامعه)، این اقدام منجر به شکل‌دهی انتظارات تورمی و در نتیجه پیدایش و استمرار تورم فزاینده در کشور خواهد شد.

به طور کلی آسیب‌شناسی پدیده تورم در اقتصاد ایران حاکی از آن است که تنها یک عامل مشخص منجر به افزایش تورم در کشور نگردیده بلکه مجموعه‌ای از عوامل به بالا رفتن تورم در کشور دامن زده‌اند.

جمع‌بندی

با وجود اینکه اقتصاد ایران طی چند دهه اخیر در مقایسه با سایر کشورها، نرخ‌های بالای تورم و نوسانات متعدد آن را تجربه کرده، اما تاکنون سیاست‌های مناسبی در جهت کاهش تورم از سوی سیاستگذاران اتخاذ نشده است. البته هرچند که در بازه‌هایی از زمان و به ویژه پس از تجربه نرخ‌های تورم بسیار بالا، اعمال سیاست‌های مقطعی در جهت مبارزه با تورم در دستور کار قرار گرفت، اما تلاش در جهت ریشه‌کن کردن این پدیده مزمن در برنامه‌های کلان کشور به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است.

مبارزه با تورم و موفقیت سیاست‌های ضدتورمی به طور قابل توجهی به شناسایی عوامل محرک تورم بستگی دارد. لذا گام اول در جهت حرکت به سوی کاهش تورم و تثبیت آن و در نتیجه دستیابی به ثبات اقتصادی، شناخت عوامل موثر بر بروز تورم در کشور و راهکارهای مقابله با آنها است. تا زمانی که اقتصاد ایران به صورت تک محصولی و وابسته به درآمدهای نفتی باشد، همواره تورم فزاینده و کاهش رشد اقتصادی را تجربه خواهیم کرد. از طرف دیگر با توجه به اینکه تورم هم ریشه در اتخاذ سیاست‌های نامنظم پولی دارد و هم در نتیجه به کارگیری سیاست‌های نامناسب مالی بروز می‌نماید، لذا رفتار دولت به عنوان بزرگترین بازیگر اقتصاد ایران را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش تورم در کشور دانست. در همین راستا ضروریست که دولت در اتخاذ سیاست‌های خود تدابیر ویژه بیانديشد و علاوه بر برخورداری از انضباط پولی، در بودجه‌های سالیانه خود به گونه‌ای سیاست‌ها را تنظیم نماید که انضباط مالی آن را به همراه داشته باشد.



منابع فارسی

۱. آشفته، افشین، (۱۳۸۷)، "ارائه روش جدید جهت محاسبه شاخص بهای کالاها و وارداتی با استفاده از اطلاعات بازرگانی گمرک"، مجله دانش و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۲۵.
۲. پورکازمی، محمدحسین، بیرانوند، امین و دلفان، محبوبه، (۱۳۹۴)، "تعیین عوامل تاثیرگذار بر تورم و طراحی سیستم هشداردهنده تورم شدید برای اقتصاد ایران"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و سوم، شماره ۷۶.
۳. دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، (۱۳۹۵)، "رابطه تورم و رشد نقدینگی در اقتصاد ایران".
۴. دفتر مطالعات اقتصاد بخش عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۹۶)، "بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور: نکات مهم و محورهای تصمیم‌گیری (ویرایش اول)".
۵. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۹۵)، "با نمایندگان مردم در مجلس دهم: تورم".
۶. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۹۵)، "مجلس، بودجه، تورم".
۷. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۹۰)، "با نمایندگان مردم در مجلس نهم: آشنایی با تورم".
۸. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۸۸)، "بررسی روند تورم و انگیزش‌های تورمی در ایران".
۹. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۸۷)، "آشنایی با تورم".
۱۰. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۸۶)، "تبیین رابطه تورم و رشد اقتصادی در ایران".

۱۱. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۸۵)، "بازکاوای آثار تورم و تغییرات نرخ تورم بر هزینه-درآمد خانوارهای فقیر و ثروتمند".
۱۲. رحمانی، تیمور، (۱۳۸۷)، "اقتصاد کلان (جلدهای اول و دوم)"، انتشارات برادران، چاپ دهم.
۱۳. سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. سامانه ملی تعاریف و مفاهیم مرکز آمار ایران.
۱۵. شاکری، عباس، (۱۳۹۵)، "مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران"، انتشارات رافع، چاپ اول.
۱۶. شاکری، عباس، (۱۳۸۷)، "نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد کلان (جلدهای اول و دوم)"، انتشارات پارس نويس، چاپ اول.
۱۷. کریم‌زاده، مصطفی، نصراللهی، خدیجه، صمدی، سعید، دلالی اصفهانی، رحیم و فخار، مجید، (۱۳۸۸)، "بررسی بیماری هلندی در اقتصاد ایران: تاثیرگذاری رابطه‌ی مبادله بر ساختار سرمایه‌گذاری"، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۶، شماره ۴.
۱۸. مومنی، فرشاد، (۱۳۹۴)، "اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز"، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول.
۱۹. هادی‌زاده، رضا، طاعتی، سارا و رخشان، شراره، (۱۳۹۵)، "بررسی طرح شاخص قیمت کالاهای صادراتی و شاخص قیمت کالاهای وارداتی"، مجله آمار گروه خدمات دفتر شاخص‌های قیمت مرکز آمار ایران، شماره ۱۸.

منابع لاتین

1. <https://undp.org>, Human Development Report (2016)
2. The Global Competitiveness Report 2017-2018



فرم ارزیابی بروشور

۱- مفاهیم ارائه شده در بروشور اقتصاد به زبان ساده را تا چه میزان مفید ارزیابی می‌کنید؟

□ عالی □ خوب □ متوسط □ ضعیف

۲- آیا با تهیه نسخه‌های بعدی بروشور موافقت می‌کنید؟

□ بلی □ خیر

۳- پیشنهادات شما برای بهبود نسخه‌های بعدی بروشور چیست؟

.....

.....

.....

۴- از نظر شما در نسخه‌های بعدی بروشور، بایستی به معرفی چه متغیرها یا مفاهیم اقتصادی پرداخته

شود؟

.....

.....

.....

۵- برگزاری چه دوره‌های آموزشی را برای به‌روزرسانی دانش هیئت نمایندگان محترم پیشنهاد می‌-

نمایید؟

.....

.....

.....

